

زبانهای شمال قفقاز

بتلم آقای پروفیسور ژیرکوف (درمسکو) (۱)

۱۳۰۰

تاریخ نویسان و جغرافیا شناسان عرب قفقاز را جیل الالسنه نامیده اند فعلاً قفقاز مشهور است بجهت اینکه در کوهستان آنجا طوایفی که بیشتر از بیست و پنج یا سی زبان مختلف را استعمال میکنند سکنی دارند طوایف مذکور بحد اقل مشتمل بر سه نژاد مختلف هستند یعنی نژاد آری، نژاد ترکی و نژاد مخصوص قفقازی. در جنوب قفقاز یعنی در ماوراء القفقاز چند زبان پیدا میشود که هر یک حائز خاك وسیع است. زبانهای گرجی و ارمنی و ترکی آذری اهمیت مخصوص دارند، علماء زبان شناس بسیار سعی کرده اند که رابطه زبان گرجی را با یکی از نژادهای معروف پیدا بکنند. این مساعی نتیجه نداد جز آنکه لازم شد اقرار کنند که زبان گرجی عضو يك نژاد علیحده است که حالا محدود است بمملکت قفقاز اگر چه احتمال میرود که در اعصار قبل از تاریخ دایره وسعت و نفوذ آن بزرگتر بوده - در زبان ارمنی علماء زبان شناس باسانی لغات و قواعد صرف نحوی را پیدا کرده اند که رابطه آنها با لغات و اصول صرف و نحوی السنه آری مسلم بود. بنا بر این حدس زده اند که زبان ارمنی یکی از السنه آری است. اما زود معلوم شد که حقیقت جای دیگر بوده است بجز لغات و صرف و نحو آری لسان ارمنی دارای يك طبقه لغوی دیگر هم هست که رابطه با اصول زبان های آری ندارد. لازم شد که زبان ارمنی را يك زبان مخلوط بدانند که دارای دو طبقه لغوی میباشد یعنی طبقه قدیم غیر آری و طبقه تازه آری. هر دو طبقه مذکور در زبان ارمنی باندازه ای با یکدیگر مخلوط شده است که فقط بواسطه تحقیقات علمی ممکن است از یکدیگر جدا شود.

درجه پیوستگی آن دو عنصر مختلف بیشتر است از آنچه فی -

(۱) آقای پروفیسور ژیرکوف اخیراً در طهران بودند و این مقاله را

برای درج باین اداره فرستاده اند.

المثل در زبان فارسی کنونی عناصر ایرانی و عربی با هم مخلوط شده است. از این حیث زبان ارمنی يك نمونه بهره بخش زبان مخلوط است و تحقیقات علمی آن زبان از نظر علم زبان شناسی عمومی دارای اهمیت بزرگ میباشد. بعد از تتبعات دقیق معلوم شد که طبقه قدیم زبان ارمنی با عنصر اصلی زبان گرجی یکی است.

زبان سوم از زبانهای عمده ماوراء القفقاز زبان ترکی آذری می باشد. این زبان در مملکت آذربایجان نسبة دیر نمایان شد و فقط پس از آنکه طوایف ترك وارد آن مملکت شده بودند ظاهر گشت. زبان ترکی آذری در ردیف زبانهای نژاد ترك جای دارد مثل عثمانی و ازبکی و تاتاری و غیره. از قرار معلوم زبان مذکور آثار لسان ایرانی آذری را تا حال نگاهداشته است اهالی آذربایجان و شیروان قبل از ورود طوایف ترك از آن زبان علیحده ایرانی اسفاده میکردند که حالا آثار آنرا فقط بتوسط مذاقه علمی ممکن است در لهجه کنونی آن صفحات پیدا کنیم. آن آثار زبان از میان رفته ایرانی هنوز بطور کفایت مورد تحقیقات علمی واقع نشده ولی از نظر علم ایران شناسی دارای اهمیت کامل است تقریباً دو سال قبل رساله خلی مهم و مفید در خصوص (زبان آذری یا زبان باستان آذربایگان) اثر خامه آقای سید احمد کسروی تبریزی چاپ شده است و امیدواریم که رساله مزبور فقط قدم اول در راه تتبعات زبان آذری قدیم باشد.

هرسه زبان مذکور دارای ثروت ادبی است، چه از ازمئه قدیم چه از دوره کنونی، و فعالیت ادبی در حوزه این زبانها تا حالا روبرقی میباشد. از حیث لهجه هرسه زبان مزبور دارای لهجه های متفاوت و بسته بنقاط مختلف است. مکرر دیده میشود که محققین زبان شناس نمیدانند که آیا لهجه فلان جا را باید فقط لهجه زبان اصلی شمرد یا بجای یکر زبان مستقل دیگر گذاشت؛ این وضعیت در ولایات کوهستان طبیعی است

کوهسارها يك جمعیت را از جمعیت دیگر جدا میکند. اغلب ایاب و ذهاب از راه های کوهستان سهل نیست و اهالی دو دره همسایه فقط بندرت داخل روابط اقتصادی و اجتماعی با یکدیگر می شوند. مفارقت اقتصادی و اختلاف عادات اجتماعی موجب اختلافات زبانی هم هست. لهجه عوامانه همیشه باصطلاح، آئنه وضع اقتصادی و اجتماعی عوام است. احتمال کامل می رود که لهجه عوام فلان جا از حیث لغات و قواعد صرف و نحوی آثار وضع قدیم را نگاهداشته باشد و آن آثار قدیمه در زبان ادباء و اشخاص منورالفکر از بین رفته باشد ازین حیث بهیچوجه نباید در مذاقه لهجه عوامانه تسامح ورزید مثل آنکه متخصص علم نباتات هر جور نبات را بطور مساوی مطرح تحقیقات خود می نماید و یا متخصص علم حیوانات طرز زندگی هر جور حیوان را، چه خانگی و چه وحشی یکسان مورد توجه قرار میدهد - همین طور متخصص علم لسان و تاریخ شناسی باید همه زبانها را مورد تتبع خود قرار دهد چه زبان های دارای ادبیات و چه لهجه های عوام. قبل از مذاقه های عمیق بهیچوجه نمیتوان گفت که تحقیقات فلان لهجه بی جا و بی فائده خواهد ماند بالعکس همیشه میتوان امید داشت که آن تحقیقات يك پرتو نو بر اصول زندگانی تاریخی بشر بیافکند.

اکنون از ماورای قفقاز برویم به خود جبال قفقاز و به طرف شمالی آن.

در قفقاز شمالی يك عده طوایف می بینیم که زبانهای مختلف دارند از حیث جمعیت این طوایف خیلی معدود هستند. گاهی می بینیم طایفه ای که بزبان مخصوص صحبت میکنند فقط در پنج یا شش ده سکنی دارند و اهالی دهات همسایه زبان آنها را نمی فهمند. بلکه در شمال شرقی قفقاز یعنی در داغستان شش زبان پیدا میکنیم که هر يك فقط در يك دهی فهمیده میشود (زبانهای کوبه چی یا زره گران - آرچی - بتلیق -

تکیتا - تیندی - خواشی) . بزرگترین آن دهات دارای زبان منحصر
بفرد یعنی ده کوبه چی یا زرد گران فقط مشتمل سیصد خانواده است .

وجود چنین اختلاف زبانی البته بواسطه وضعیت طبیعی زندگی
کوهستان است ولی در اوضاع کنونی دنیا مانع ترقی اقتصادی و اجتماعی می
باشد . بنا بر این روابط با طوایف همسایه هر چه باشد لازم است عده
معدودی از آن زبانها مثل زبانهای بین الطوایفی استعمال شود و براهمیت
خود بیافزاید . بهمین جهت در آن جمعیتهایی که زبان کوچک و محدود
دارند مرد ها در سن طفولیت غیر از زبان مادری خود يك زبان دیگر را هم
که در آن ناحیه زبان بین الطوایفی میباشد میاموزند و بواسطه آن زبان
دویم می توانند با مردمان طوائف همسایه خود صحبت بنمایند . اما زنان
روی هم رفته فقط از زبان مادری خود آگاهند . در بعضی جاها زبان
روسی جا نشین زبان بین الطوایفی عمومی شده است ولی در قفقاز شرقی اقوام
مختلف در روابط بین یکدیگر ، یکی از زبانهای ترکی را استعمال میکنند
در سواحل بحر خزر در شمال شهر دربند زبان قفق یعنی قوم ترکی که آن
جا سکنی دارند همه جا فهمیده می شود .

اگر از همان شهر دربند رو بجنوب برویم خواهیم دید که در آن
نقاط زبان ترکی آذری دارای نفوذ مخصوص میباشد .

در کوه های داغستان مرکزی يك زبان بین الطوایفی دیگر را پیدا
میکنیم که زبان طائفه عمده آن کوهستان است موسوم به آوار که از صحرای
شمالی تا بحدود گرجستان از دو طرف جبال قفقاز سکنی دارند .

چون نقشه زبانی رنگارنگ قفقاز شمالی و جبل قفقاز رویم رفته
بدرجه کفایت و لزوم معروف نیست ما میخواهیم اینجا قلم بقلم ابتداء از
مغرب تا بمشرق زبانهای عمده آن صفحات را شرح دهیم .

در سواحل بحر سیاه و در طرف جنوبی جبال قفقاز طوائف ابخاز
و اسوان سکنی دارند . زبان طائفه اسوان خیلی نزدیک است بزبان گرجی

و تمدن اسوانی روی شالوده تمدن گرجی گذاشته شده است. طایفه ابخاز زبانی را استعمال میکنند که باصطلاح زنجیر رابطه ای است بین زبان گرجی از طرفی و زبانهای طوایف چرکس از طرف دیگر طوایف چرکس قبل از تسخیر بدست روسها صفحات وسیع را در سواحل بحر سیاه و در طرف شمالی جبل قفقاز تا رودخانه کوبان در دائرة نفوذ خود نگاه داشته بودند، بعد از جنگهای سخت و خونین بر ضد روسها طوایف چرکس مجبور شدند که اغلب خاك خود را باهالی روس واگذار نمایند. قسمتی از چرکسها از وطن خود مهاجرت نمودند و بطرف ترکیه یعنی خاك برادران مذهبی خود نقل مکان کردند. قسمت دیگر از چرکسها در وطن خود مانده اند و هنوز در میان روسها زندگی میکنند طایفه قباردا که در کوهستان و در صحرا و شمال از جبال قفقاز سکنی دارند زبانی را استعمال میکنند که خیلی نزدیک بزبان های چرکس است. درین قسمت سلسله جبال قفقاز در کوهستان بلند دو طایفه از نژاد ترك هم پیدا میشود یعنی قاراچائیها و بالقارها.

در مشرق طوایف فوق یعنی در اطراف راه شوسه گرجستان که از شهر ولادیقفقاز تا پایتخت گرجستان یعنی تفلیس میگردد، مسکن قوم استی میباشد. قوم استی که در نقاط مرکزی جبال قفقاز سکنی دارند تا بحال زبان ایرانی آری خود را نگاه داشته اند. از روی تحقیقات زبانی معلوم میشود که استیها قسمت قوم بزرگی از نژاد ایرانی هستند که الی یومنا هذا در کوهستان بلند باقی مانده اند اما در ازمنه قدیمه در صحراهای روسیه جنوبی پراکنده شده بودند. در آن زمان اسم آن قوم اسم دیگر بود یعنی ساکا و یا اسکیت. بمرور زمان زیر فشار اقوامی که بیشتر از طرف آسیا بصحراهای روسیه جنوبی وارد شدند نام قوم مذکور از صفحات تاریخ بشر محو شد ولی نه بکلی و اولاد آنها تا بحال در قسمت مرکزی کوهستان قفقار یافت میشوند. زبان استی مثل زبان ارمنی یک زبان مخلوطی است از دو عنصر یعنی از عنصر ایرانی و از عنصر دیگر که ایرانی نیست. در